

روابط نظامی ایران و ایتالیا در دوره حکومت پهلوی

نسا گنجی^۱، علی اصغر رجیبی^۲

چکیده

روابط نظامی ایران و ایتالیا در دوره پهلوی از موضوعاتی است که تاکنون کمتر به طور مستقل بررسی شده، حال آنکه در تحولات نظامی و دیپلماتیک قرن بیستم نقش مهمی ایفا کرده است. مسئله اصلی این پژوهش آن است که چه عواملی زمینه ساز گسترش همکاری های نظامی ایران و ایتالیا شد و این روابط چه جایگاهی در سیاست خارجی و راهبرد دفاعی حکومت پهلوی داشت. پرسش محوری مقاله چنین است: اهداف و انگیزه های دو طرف در برقراری و تداوم این روابط چه بود و این همکاری ها چه تأثیری بر ساختار نظامی ایران برجای نهاد؟ فرضیه پژوهش بر این اساس استوار است که ایتالیا، به دلیل فقدان پیشینه استعماری در ایران و برخورداری از ظرفیت های فنی و صنعتی، برای حکومت پهلوی شریک مناسبی تلقی می شد و در مقابل، ایران نیز بازاری راهبردی برای صنایع نظامی ایتالیا فراهم می کرد. یافته های پژوهش، با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسناد موجود در سازمان های اسناد ایران و ایتالیا، نشان می دهد که روابط نظامی دو کشور در دو مرحله عمده شکل گرفت: نخست در دوران رضاشاه با محوریت آموزش دریایی و خرید کشتی های جنگی، و سپس در دوران محمدرضا شاه با گسترش آموزش های تخصصی، قراردادهای تسلیحاتی کلان و انتقال فناوری های نوین. این

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران، گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

nessaganji@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)

Aliasghar.rajabi@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۱ نوع مقاله: علمی - پژوهشی

همکاری‌ها هم به ارتقای توان دفاعی ایران انجامید و هم جایگاه ایتالیا را در بازار تسلیحات خاورمیانه تقویت کرد. نتیجه‌گیری پژوهش آن است که روابط ایران و ایتالیا در عصر پهلوی، نمونه‌ای گویا از پیوند سیاست خارجی با نوسازی نظامی و بهره‌گیری متقابل از فرصت‌های ژئوپلیتیکی در دوران جنگ سرد به شمار می‌آید.

واژه‌های کلیدی: روابط نظامی، توسعه نظامی، روابط خارجی، ایران و ایتالیا، عصر پهلوی .

Military Relations between Iran and Italy during the Pahlavi Era

Nessa Ganji^{1/} Ali Asghar Rajabi²

Abstract

Military relations between Iran and Italy during the Pahlavi era have received little independent scholarly attention, despite their significant role in the military and diplomatic transformations of the twentieth century. The central problem addressed in this study is to identify the factors that fostered the expansion of Iranian–Italian military cooperation and to assess the place of these relations within the foreign policy and defense strategy of the Pahlavi state. The main research question asks: what were the objectives and motivations of both sides in establishing and sustaining these ties, and how did such cooperation affect the military structure of Iran? The hypothesis advanced here posits that Italy, lacking a colonial legacy in Iran and possessing notable technical and industrial capabilities, was regarded by the Pahlavi regime as a suitable partner, while Iran, conversely, offered Italy a strategically important market for its military industries. Findings, based on archival materials in Iran and Italy alongside library sources, indicate that military relations evolved in two major phases: the first under Reza Shah, centered on naval training and the purchase of warships; and the second under Mohammad Reza Shah, marked by the expansion of specialized training, large-scale arms contracts, and the transfer of advanced technology. These collaborations not only strengthened Iran’s defensive capacity but also consolidated Italy’s position in the Middle Eastern arms market. The study concludes that Iranian–Italian relations during the Pahlavi era exemplify the intersection of foreign policy with military modernization and the mutual exploitation of geopolitical opportunities within the Cold War context.

1. PhD Student in History of Iran, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Karaj, Iran.

دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۴ ۲۱۴

Keywords: Foreign Relations, Military Cooperation, Military Modernization, Iran and Italy, Pahlavi Era.

مقدمه

در بررسی تاریخ معاصر ایران، به ویژه در دوره پهلوی، شکل گیری و توسعه روابط نظامی میان ایران و کشورهای اروپایی، بازتابی از سیاست راهبردی تهران در جهت نوسازی ساختار دفاعی و خروج از حوزه نفوذ سنتی قدرت های استعمارگر تلقی می شود. در این میان، روابط ایران و ایتالیا به ویژه در دو مقطع پهلوی اول و دوم، از جایگاه خاصی برخوردار است؛ روابطی که به ویژه در حوزه آموزش، تجهیز و انتقال فناوری نظامی، عمق و ابعاد تازه ای یافت و با تحولات ژئوپلیتیک منطقه و جهان در سده بیستم نیز پیوندی تنگاتنگ داشت.

نخستین گام های این همکاری به دوران سلطنت رضاشاه بازمی گردد؛ زمانی که حکومت مرکزی نوپای ایران با درکی راهبردی از ضعف ساختار دفاعی کشور، در پی تأسیس ارتشی مدرن و حرفه ای بود. نبود نیروی دریایی مؤثر، ناامنی خلیج فارس، وابستگی به مستشاران بیگانه و فشار مداوم قدرت های استعماری چون بریتانیا و روسیه، شاه را بر آن داشت تا به سوی کشورهایی گرایش یابد که نه تنها پیشینه استعماری در ایران نداشتند، بلکه آمادگی همکاری در مسیر نوسازی نظامی را نیز از خود نشان می دادند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۸۰؛ پیرا، ۱۳۷۹: ۱۵۹). ایتالیا در دوران فاشیستی تحت رهبری موسولینی، یکی از این گزینه ها بود (Pasqualini, 1992: 56). این کشور با استقبال از طرح نوسازی نظامی ایران، به آموزش نیروی دریایی، اعزام مستشار، فروش کشتی های جنگی و پذیرش دانشجویان نظامی ایرانی در آکادمی های دریایی خود اقدام کرد و عملاً بنیان نیروی دریایی مدرن ایران را پایه گذاری کرد.

پس از جنگ جهانی دوم، با آغاز دوران پهلوی دوم، روابط نظامی ایران و ایتالیا وارد مرحله جدیدی شد. این بار نیز با وجود گسترش همکاری های دفاعی ایران با بلوک غرب، از جمله ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه، ایتالیا جایگاه مهمی در حوزه آموزش، فروش تجهیزات و مشارکت صنعتی-نظامی داشت. از سرگیری اعزام دانشجویان به آکادمی دریایی لیورنو، تجهیز نیروی دریایی و هوایی ایران به فناوری های نوین، سفارش ساخت کشتی ها و

هلیکوپترهای پیشرفته و مذاکرات صنعتی برای تأسیس زیرساخت‌های تولید در داخل ایران، همگی شواهدی بر عمق راهبردی این روابط هستند.

ویژگی قابل توجه روابط ایران و ایتالیا در مقایسه با سایر قدرت‌های غربی، نه فقط در ابعاد فنی و نظامی، بلکه در نوع نگاه متقابل و گشودگی در انتقال دانش و مهارت نیز مشهود است. برخلاف کشورهای استعمارگر که همواره تلاش در کنترل و وابسته‌سازی داشتند، سیاست ایتالیا، به‌ویژه در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ش، با تأکید بر شراکت فنی، انتقال تکنولوژی و تأسیس صنایع بومی، بستری برای تعمیق روابط نظامی و اقتصادی فراهم آورد که تا سال‌های منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ش ادامه داشت. این مقاله باهدف تحلیل ابعاد مختلف همکاری نظامی میان ایران و ایتالیا در دوره پهلوی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد تاریخی، گزارش‌های دیپلماتیک و تجارب مستندشده در حوزه آموزش و تجهیز، در پی آن است تا به پرسش‌های بنیادینی همچون ماهیت این روابط، اهداف و انگیزه‌های دو طرف، نقش آن‌ها در ساختار نظامی ایران و جایگاه آن در چارچوب روابط بین‌الملل پهلوی پاسخ دهد. همچنین میکوشد تا با بررسی این روابط در بستر تحولات بین‌المللی، پیوند میان سیاست نظامی، منافع اقتصادی و دیپلماسی دوجانبه را در پرتو تجربه ایران و ایتالیا روشن سازد.

هرچند موضوع روابط نظامی ایران و ایتالیا در عصر پهلوی به‌طور خاص و مستقل کمتر مورد توجه قرار گرفته، اما در برخی پژوهش‌های مرتبط، اشاراتی به این روابط دیده می‌شود. در این زمینه، مقاله‌ای با عنوان «جستاری بر روابط تجاری-نظامی ایران و قدرت‌های اروپایی در دوره پهلوی اول (با تأکید بر نظریه نظام جهانی)» نوشته عباس دهرویه و سمیرا قلی‌پوردامیری که در *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست بین‌الملل* (سال پنجم، شماره ۹، ۱۴۰۰) منتشر شده، ضمن بهره‌گیری از نظریه نظام جهانی، به تحلیل تعاملات نظامی ایران با قدرت‌های اروپایی، به‌ویژه آلمان، پرداخته و به‌طور گذرا از نقش ایتالیا نیز در زمینه فروش تسلیحات و همکاری‌های فنی یاد می‌کند. این مقاله با تأکید بر جایگاه پیرامونی ایران در ساختار جهانی، نشان می‌دهد که نوسازی نظامی کشور عمدتاً متکی به واردات و آموزش وابسته بوده است.

همچنین در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی ماهیت روابط ایران و ایتالیا بر پایه مذاکرات مجالس شانزدهم تا نوزدهم شورای ملی (با تأکید بر قرارداد نفتی ایران و شرکت آجیب مینارایا)»، اثر پروین رستمی که در فصلنامه تاریخ روابط خارجی منتشر شده، با استناد به مذاکرات مجالس شورای ملی در دوره پهلوی دوم، به حضور ایتالیا در پروژه‌های نفتی ایران اشاره شده است. نویسنده با تمرکز بر سیاست حکومت پهلوی در کاهش وابستگی نفتی به انگلستان، به تلاش برای گسترش روابط با ایتالیا در جهت کاهش وابستگی به قدرت‌های استعماری پرداخته است.

با وجود این اشارات، تاکنون پژوهشی جامع که به‌طور خاص روابط نظامی ایران و ایتالیا را در دوره پهلوی بررسی کند، انجام نشده است. پژوهش حاضر در پی آن است تا با تمرکز بر این حوزه مغفول، به تبیین و بررسی ابعاد گوناگون این روابط بر پایه اسناد و شواهد تاریخی بپردازد.

۲. روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد تاریخی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد موجود در سازمان‌های اسناد ایران و ایتالیا، به بررسی سیر روابط نظامی ایران و ایتالیا در دوران پهلوی می‌پردازد. در گام نخست، منابع دست‌اول از جمله اسناد آرشیو تاریخی ریاست جمهوری ایتالیا (ASPR)، آرشیو سیاسی دیپلماتیک وزارت امور خارجه ایتالیا (ASDMAE)، یادداشت‌های دیپلماتیک، گزارش‌های رسمی و مکاتبات بین نهادهای نظامی دو کشور، استخراج و تحلیل شده‌اند. این اسناد، تصویر نسبتاً دقیقی از مذاکرات، قراردادها و سطح همکاری‌های دوجانبه در حوزه‌های آموزشی، تجهیزاتی و صنعتی ارائه می‌دهند. در کنار اسناد، از خاطرات رجال سیاسی و نظامی، سفرنامه‌های رسمی، مذاکرات مجلس و روزنامه‌ها و نیز داده‌های به‌دست‌آمده از وبگاه‌های مرتبط با نیروی دریایی شاهنشاهی ایران (نظیر iinavy.org) بهره‌برداری شده است.

پژوهش حاضر تلاش می‌کند ضمن بازسازی روایت تاریخی روابط نظامی ایران و ایتالیا در دو مقطع پهلوی اول و دوم، تحلیلی تطبیقی از اهداف راهبردی، منافع متقابل و چالش‌های

این همکاری‌ها در چارچوب سیاست خارجی هر دو کشور ارائه دهد. روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی اسناد و منابع بوده است.

۳. نخستین همکاری نظامی ایران و ایتالیا

همکاری‌های نظامی میان ایران و ایتالیا، به‌ویژه در حوزه نیروی دریایی، از جمله رویدادهای مهم در روند نوسازی و تقویت ساختار نظامی ایران در دوران پهلوی اول به شمار می‌آید. این همکاری‌ها را می‌توان به دو دوره تاریخی مجزا تقسیم کرد که هر یک ویژگی‌ها و اهداف خاص خود را داشتند. نخستین دوره، در دوران حکومت فاشیستی موسولینی و پیش از آغاز جنگ جهانی دوم شکل گرفت و دوره دوم از سال ۱۹۵۵م/۱۳۳۴ش آغاز شد. مطالعه و تحلیل این همکاری‌ها، به‌ویژه در زمینه نیروی دریایی، از منظر تاریخی و استراتژیک اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا این همکاری‌ها بازتابی از تغییرات ژئوپلیتیک منطقه و رویکردهای دولت پهلوی به استقلال و تقویت بنیه نظامی کشور است.

در دوران پس از تأسیس سلسله پهلوی، به‌ویژه در بین سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۰۴ش، ایران که به لحاظ نظامی نیروی دائمی و سازمان‌یافته‌ای نداشت، به دنبال ارتقای قدرت نظامی خود به‌منظور مقابله با نفوذ استعمارگران انگلیسی و روسی بود. یکی از دغدغه‌های اصلی حکومت رضاشاه، ایجاد نیرویی بود که بتواند بر خلیج فارس نظارت داشته و حضور بیگانگان به‌ویژه نیروی دریایی بریتانیا را محدود کند (Pasqualini, 1992: 58-60). ناتوانی دولت ایران در اعمال کنترل مؤثر بر آب‌های خلیج فارس، به بروز ناامنی‌های گسترده در این منطقه انجامید؛ وضعیتی که در نهایت جامعه ملل را بر آن داشت تا به دلیل گسترش پدیده‌هایی چون دزدی دریایی، قاچاق اسلحه و تجارت انسان، خلیج فارس را به‌عنوان منطقه‌ای ممنوعه اعلام کند (سپهبدی، ۱۳۳۹: ۷۴-۷۲). این تصمیم، تهدیدی جدی برای استقلال و تمامیت ارضی ایران تلقی می‌شد و ضعف حاکمیت ملی در مرزهای جنوبی کشور را آشکار می‌ساخت. در چنین شرایطی، ایجاد یک نیروی دریایی نظامی به‌مثابه بخشی از طرح کلان نوسازی ارتش، اهمیتی روزافزون یافت و در کانون توجه جدی قرار گرفت.

مجموعه‌ای از اسناد موجود در سازمان آرشیو ملی حاکی از آن است که دولت ایران در اواسط سال ۱۳۰۶ش، در واکنش به گسترش بی‌رویه قاجاق، به‌ویژه در زمینه کالاهای انحصاری و تسلیحات، تأسیس یک نیروی بحریه کوچک در سواحل جنوبی کشور را در دستور کار قرار داد. هدف از این اقدام، علاوه بر صیانت از منافع اقتصادی دولت از طریق تقویت وصول حقوق گمرکی و انحصارات، جلوگیری از پیامدهای امنیتی ناشی از قاجاق سلاح به داخل کشور و افتادن آن به دست عشایر ماجراجو، تسهیل در جابه‌جایی نیرو و تجهیزات نظامی از طریق دریا و نهایتاً تثبیت و اثبات حاکمیت ملی ایران بر آب‌های خلیج فارس بود. بر همین اساس، قانون ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ش با اختصاص اعتبار دویست هزار تومان برای خرید تجهیزات دریایی و استخدام متخصصان خارجی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. بر مبنای مفاد اسناد، مقرر بود پیش از صدور هرگونه سفارش به شرکت‌های کشتی‌سازی، ابتدا متخصصان خارجی استخدام و پس از بررسی‌های فنی آنان، سفارش نهایی متناسب با نیازهای کشور و میزان اعتبارات صادر شود (ساکما، ۱۳۸۱/۳۴۰: ۳۶). در پی مذاکرات رسمی میان وزارت خارجه ایران و وزارت بحریه ایتالیا، دو نفر از صاحب‌منصبان دریایی ایتالیا، شامل کماندان دل‌پراتو و ماژور دزان، به استخدام دولت ایران درآمدند که قرارداد نخستین از ۱۵ دی و قرارداد دوم از اول آبان ۱۳۰۷ش لازم‌الاجرا گردید (همان: ۴۶ و ۱۲۴).

هم‌زمان با این نیاز، ایتالیا در دوران موسولینی به‌عنوان یک قدرت فاشیستی و با هدف توسعه نفوذ خود در خاورمیانه، همکاری نظامی با ایران را فرصتی استراتژیک می‌دید. دولت ایتالیا نه تنها به دنبال گسترش بازار محصولات نظامی و دریایی خود بود، بلکه تمایل داشت از این طریق به تثبیت موقعیت خود در منطقه کمک کند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۱: ۳۹۸؛ راین، ۱۳۵۶: ۷۸۳). همکاری‌های اولیه میان دو کشور، از مذاکرات محرمانه‌ای آغاز شد که در سال ۱۳۰۸ش شکل گرفت و به تدریج به انعقاد قراردادها و آموزش نظامیان ایرانی در ایتالیا انجامید (Pasqualini, 1992: 62). یکی از عوامل کلیدی در نزدیکی ایران به ایتالیا، نقش وزیر تأثیرگذار دربار، عبدالحسین تیمورتاش، بود که از هواداران سرسخت جنبش فاشیستی و شخصیتی مورداعتماد رضاشاه به شمار می‌رفت (Ibid: 56). تیمورتاش

حتی تلاش کرد حزبی با الهام از فاشیسم در ایران تأسیس کند (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۱۲۶) و در دهه ۱۹۲۰م چندین بار به ایتالیا سفر کرد تا خریدهای نظامی، به ویژه در زمینه دریایی را به پیش ببرد (روزنامه اطلاعات ۱۳۰۷/۷/۱ بازیابی شده در ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، ص ۱۲۵). این علاقه مندی سیاسی و ایدئولوژیک به همکاری با ایتالیا، در کنار نیاز عملی به توسعه نیروی دریایی، زمینه را برای شکل‌گیری همکاری‌های گسترده‌تر فراهم ساخت.

بر اساس سند مراسله که در سال ۱۳۰۷ش از سوی وزارت مالیه به وزارت خارجه ارائه شد، دولت ایران در راستای مقابله با افزایش روزافزون قاچاق در سواحل خلیج فارس و ضعف ساختارهای فنی موجود، خواستار خرید یک فروند کشتی گشت‌زنی و استخدام دو متخصص ایتالیایی در حوزه دریایی و مکانیکی شد. در متن این سند تصریح شده است که «اداره کل گمرکات با وسایل موجوده فعلی قادر نیست که از قاچاق اجناس کاملاً جلوگیری کند» و به همین دلیل علاوه بر خرید کشتی، دولت به دنبال جذب نیروی متخصص از خارج کشور است. اشاره به «تربیت نشدن متخصص داخلی در آینده نزدیک» نیز بیانگر عقب‌ماندگی فنی کشور و لزوم انتقال فناوری است (ساکما، ۲۴۰/۳۸۳۱: ۲۶۷-۲۸). این سند یکی از نمونه‌های آشکار برنامه‌نوسازی ارتش توسط رضاشاه است که از طریق تجهیز فنی، تمرکز اداری و تعامل‌گزینی با کشورهای اروپایی، در پی افزایش اقتدار ملی در برابر تهدیدهای منطقه‌ای و نفوذ قدرت‌های استعماری، به ویژه بریتانیا، در خلیج فارس بوده است. سند مراسله وزارت مالیه به وزارت نمره ۷۰۰، شماره ل-۵۵۱ که به تاریخ تصویب لایحه خرید کشتی و استخدام متخصصان خارجی اشاره دارد، مؤید تصویب رسمی این طرح در جلسه ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ش از سوی مجلس شورای ملی است. مطابق با این سند، مبلغ دو بیست هزار تومان از عواید سال ۱۳۰۷ش جهت خرید یک کشتی مسلح برای حفاظت از سواحل خلیج فارس و نیز تعمیر کشتی‌های موجود به تصویب رسیده است (ساکما، ۳۱۰/۴۴۴۸۲: ۲-۳). همچنین، مجوز رسمی استخدام یک صاحب‌منصب بحریه و یک مهندس مکانیکچی از ایتالیا برای مدت سه سال صادر گردیده که تأکید دارد بر محدود بودن میزان حقوق سالانه آنها به ۱۵۰ هزار قران و پرداخت هزینه سفر هر یک به مبلغ چهار

هزار قران. به صراحت در تبصره این قانون آمده است که دولت مکلف است هزینه این استخدام را برای سال‌های آتی نیز در بودجه سنواتی پیش‌بینی کند (همان). این سند نه تنها مکمل لایحه پیشنهادی وزارت مالیه است، بلکه از تثبیت اراده دولت در توسعه توانمندی‌های فنی - نظامی و تثبیت اقتدار دریایی در خلیج فارس حکایت دارد.

در سندی متعلق به وزارت امور خارجه، گزارش مفصلی از سوی پاکروان، وزیرمختار وقت ایران در رم، درباره مذاکرات با مقامات ایتالیایی جهت خرید کشتی‌های جنگی ارائه شده است. این گزارش که در تاریخ ۲۳ فروردین ارسال شده، حاکی از دیدار رسمی پاکروان با آدمیرال سریانی، معاون وزارت بحریه ایتالیا و سایر مقامات فنی از جمله رئیس کمیته مطالعات فنی و یک افسر عالی‌رتبه دیگر است. به گفته پاکروان، هفت پیشنهاد برای کشتی‌های بزرگ و شش پیشنهاد برای کشتی‌های کوچک از کارخانه‌های مختلف ایتالیایی دریافت شده بود که همگی در حال بررسی در کمیته فنی وزارت بحریه ایتالیا بودند. پیشنهادهای ارائه شده به دو دسته تقسیم می‌شدند: نخست کشتی‌های مجهز به موتور بخار با قیمت تقریبی هشت تا ده میلیون لیر ایتالیایی که از نظر مقامات ایتالیایی برای شرایط ایران مناسب‌تر تشخیص داده شد، چراکه ساده‌تر و محکم‌تر بودند و برای کشوری فاقد زیرساخت تعمیرات تخصصی، مقرون به صرفه‌تر به شمار می‌رفتند. دسته دوم شامل کشتی‌های مجهز به موتور دیزل با پیچیدگی بیشتر و هزینه بالاتر بود. همچنین مذاکراتی درباره کشتی‌های کوچک دیزلی با قیمت سه تا شش میلیون لیر صورت گرفت. آدمیرال سریانی اعلام کرد که همان دقت و مراقبتی که دولت ایتالیا در خریدهای خود به کار می‌گیرد، در تهیه کشتی برای ایران نیز لحاظ خواهد شد. او همچنین پیشنهاد کرد که دولت ایران می‌تواند شش فروند کشتی، شامل دو کشتی بزرگ بخاری مجهز به توپخانه و مهمات را با هزینه‌ای معادل ۳۲ میلیون لیر خریداری کند که این قیمت به ادعای وی حتی برای دولت ایتالیا نیز پایین تلقی می‌شود. پرداخت اقساطی طی یک سال و نیم پیش‌بینی شده بود، اما امکان تمدید آن تا دو سال نیز مطرح گردید. پاکروان در پایان گزارش، با اشاره به فضای مثبت و حمایت‌گرانه ایتالیا در این مذاکرات، ابراز امیدواری می‌کند که بهترین شرایط ممکن برای ایران فراهم شود (ساکما، ۲۴۰/۵۱۶۱۴: ۸ و ۱۵۶). افزون بر این، گفت‌وگوهایی نیز

دربارهٔ احداث فانوس دریایی و موضوعات جانبی نظیر تأمین تجهیزات خاص دریایی صورت گرفته است.

در پاسخ رسمی دولت ایران به تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۰۸ش که بر مبنای گزارش پاکروان وزیرمختار در رم تنظیم شده، سه دلیل فنی برای ترجیح موتور دیزل بر بخار در کشتی‌های موردسفرش ارائه می‌شود: شوری و گل‌آلودبودن آب خلیج فارس و دشواری تقطیر آن، آمادگی نسبی زیرساخت‌های تعمیراتی برای کارخانجات آبادان و کمبود متخصصان دریایی که استفاده از سیستم ساده‌تر دیزل را ضروری می‌سازد (ساکما، ۱۳۱۴/۵۱۶: ۷-۵؛ معاهدات، نمرهٔ ۱۷۴). بر این اساس، سفارت موظف به اطلاع‌رسانی به مقامات ایتالیایی و پیگیری موضوع می‌شود.

در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۳۶ش، ایران موفق شد ۸۶ نفر از دانشجویان نیروی دریایی خود را به دانشکدهٔ دریایی لیوورنو (Livorno) و تارانتو (Taranto) در ایتالیا اعزام کند. در سال ۱۳۰۶ش، اولین گروه افسران برای فراگیری فنون دریایی به ایتالیا اعزام شدند (رسائی، ۱۳۵۰: ۳۸۰). این دانشجویان تحت آموزش‌های کامل نظامی و فنی به زبان ایتالیایی قرار گرفتند و بسیاری از آنان پس از بازگشت به ایران، به مقامات ارشد و فرماندهان نیروی دریایی تبدیل شدند (Pasqualini, 1992: 21). در نیمهٔ دوم سال ۱۳۰۹ خورشیدی، هم‌زمان با مراحل پایانی ساخت ناوهای ایرانی که پیش‌تر به کارخانه‌های کشتی‌سازی ایتالیا سفارش داده شده بود، به‌منظور تکمیل کادر فنی و عملیاتی نیروی دریایی، گروهی از افراد تحت نظارت سرگرد توپخانه، غلامعلی بایندر، جهت طی دوره‌های آموزش درجه‌داری به ایتالیا اعزام شدند (ساکما، ۱۳۱۰/۳۲۷۷؛ شیخ نوری، ۱۳۹۲: ۵). این گروه، آموزش‌های تخصصی دریایی در حوزه‌های موتور، بی‌سیم، برق، ملوانی و هدایت کشتی (سکان‌داری) را در شهرهای «ونیز»، «یولا» و «لاسپتسیا» گذراندند. در همین سال، سومین گروه از دانشجویان نظامی ایرانی نیز برای تحصیل در دانشکدهٔ دریایی ایتالیا اعزام گردید و پس از طی دورهٔ آموزشی، با درجهٔ نوابان دومی از آن مؤسسه فارغ‌التحصیل شدند (همان).

در سال ۱۳۱۱ش، در راستای اجرای سیاست‌های توسعه نظامی و تقویت اقتدار دولت مرکزی در خلیج فارس، لایحه‌ای از سوی هیئت دولت به مجلس شورای ملی ارائه شد که هدف آن تأمین اعتبار تکمیلی برای حمل، تجهیز و نگهداری کشتی‌های جنگی خریداری شده از ایتالیا بود. این لایحه که پس از تصویب دو قانون پیشین در مهر و بهمن ۱۳۱۰ و تخصیص ۶۶۵۰۰۰ پهلوی تدوین شده بود، خواستار اختصاص مبلغی معادل ۱۳۵۰۰۰۰ پهلوی دیگر از محل ذخایر مملکتی به وزارت مالیه شد. مجموع این اعتبار (۶۰۰۰۰۰۰ پهلوی) برای پرداخت هزینه‌های خرید، انتقال، تجهیز، تأسیس کارگاه‌های تعمیراتی و دیگر نیازهای مرتبط با تأسیس نیروی دریایی اختصاص یافت (ساکما، ۳۱۰/۳۲۷۸۳). بر اساس اسناد رسمی، این ناوگان متشکل از شش کشتی شامل بیر، پلنگ، شهباز، شاهرخ، کرکس و سیمرخ بود که در بندر پالرم ایتالیا ساخته شدند و در مراسمی رسمی در بوشهر، با حضور رضاشاه، تحویل ایران گردیدند (رائین، ۱۳۵۶: ۷۸۶-۷۹۲؛ رسائی، ۱۳۵۰: ۳۸۸-۳۸۹). پس از آن، تجهیزات نظامی و فنی تکمیلی نیز از ایتالیا وارد شد. طبق اسناد گمرکی، قطعات مربوط به قایق‌های موتوری بدون عوارض وارد کشور شدند. سازمان نیروی دریایی به فرماندهی ناخدا بایندر در خرمشهر مستقر شد و پایگاه‌های عملیاتی در جزایر استراتژیک هنگام، قشم و کیش و مراکز پشتیبانی در آبادان و بوشهر ایجاد گردید.

با این حال، این همکاری‌ها در خلال جنگ جهانی دوم به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. در سال ۱۳۲۰ش، بریتانیا و شوروی به بهانه حفظ خطوط مواصلاتی و مقابله با نیروهای محور، ایران را اشغال کردند. این اقدام با هدف جلوگیری از نفوذ بیشتر آلمان و ایتالیا به منطقه انجام شد و تمامی شناورهای دریایی خریداری شده از ایتالیا توسط ایران، یا نابود و یا مصادره گردیدند (استوارت، ۱۳۷۰: ۱۹۵-۱۹۶). همچنین به گفته برخی منابع بیش از ششصد نفر از کارکنان و افسران نیروی دریایی ایران در جریان این حمله زخمی یا کشته شدند (قدیمی، ۱۳۲۶: ۱۲۳). این تحولات، ضربه‌ای بزرگ به تلاش‌های ایران برای ایجاد نیروی دریایی قدرتمند و حفظ استقلال خود وارد ساخت. با این حال، همکاری‌های ایران و ایتالیا پس از پایان جنگ نیز ادامه یافت. در سال ۱۳۳۳ش، به‌عنوان نمونه‌ای از این

همکاری‌ها، دو ناوشکن ایرانی به کارخانه‌های کشتی‌سازی لاسپیژیا در ایتالیا فرستاده شدند تا تعمیرات گسترده‌ای روی آنها صورت گیرد و در این مدت، خدمه این کشتی‌ها دوره‌های آموزشی تخصصی را روی شناورهای جنگی ایتالیایی گذراندند (Pasqualini, 1992: 21). همچنین ایتالیا در دهه ۱۹۳۰م، پیشنهاد ساخت کارخانه هواپیماسازی از جمله هواپیماهای بمب‌افکن و آموزش خلبانان ایرانی در آکادمی‌های خود را مطرح کرد که نشان از وسعت و عمق همکاری‌ها در حوزه‌های فراتر از نیروی دریایی داشت (Ibid: 104-105).

نزدیکی ایران به ایتالیا در دوران رضاشاه، تلفیقی از نیازهای نظامی و سیاسی بود. ایران که به دنبال تضمین استقلال خود و مقابله با نفوذ بریتانیا و روسیه بود، ایتالیا را کشوری مطلوب می‌دید که هم دارای فن‌آوری نظامی مناسب بود و هم سابقه استعماری در ایران نداشت. از سوی دیگر، ایتالیا به‌عنوان کشوری در حال توسعه قدرت فاشیستی، فرصت گسترش نفوذ خود در منطقه و ایجاد پایگاه‌های راهبردی را در ایران می‌دید. این همگرایی منافع، زمینه‌ساز آغاز همکاری‌های نظامی شد که به‌خصوص در حوزه نیروی دریایی تأثیرگذاری ویژه‌ای داشت و هسته‌ای از نیروی دریایی ایران را شکل داد که می‌توانست در آینده به‌عنوان نمادی از اقتدار ملی و حاکمیت دریایی کشور عمل کند. بنابراین، نخستین گام‌های همکاری نظامی ایران و ایتالیا، نه‌تنها حاصل نیازهای دفاعی و امنیتی ایران بلکه نتیجه تعامل پیچیده منافع سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی دو کشور در بستر تحولات بین‌المللی دوران بین دو جنگ جهانی بود. این همکاری‌ها، ضمن آنکه موجب ارتقای توانمندی‌های نظامی ایران شد، تأثیراتی ماندگار بر ساختار و شکل‌گیری نیروی دریایی این کشور برجای گذاشت.

۴. مرحله دوم روابط نظامی ایران و ایتالیا

۴-۱. نقش کلیدی محمدرضا پهلوی در تعمیق روابط نظامی ایران و ایتالیا

نقش شخص محمدرضا شاه در مناسبات ایران و ایتالیا دارای اهمیت ویژه‌ای است. محمدرضا پهلوی نه‌تنها فرمانده کل نیروهای مسلح بود، بلکه به شکل مستقیم بر جزئیات آموزش و توسعه نیروها نظارت داشت. همان‌گونه که ذکر خواهد شد، دیدارهای رسمی و

غیررسمی وی با فرماندهان ایتالیایی و نیز بازدید او از آکادمی لیورنو و پایگاه‌های هوایی در رم در سال ۱۳۳۷ش، گویای اهمیت ویژه‌ای است که برای همکاری با ایتالیا قائل بود. او، همانند پدرش، ارتش را ستون بقای سلطنت می‌دانست و تأمین ابزار، دانش و مشروعیت نظامی برای نیروهای مسلح را وظیفه‌ای راهبردی تلقی می‌کرد.

شاه نظارتی مستقیم و دقیق بر فعالیت‌های این نیروها داشت و وفاداری آنها را به سلطنت تضمین می‌کرد. سه نیروی مسلح (نیروی زمینی، نیروی دریایی و نیروی هوایی) که در اسناد رسمی با عنوان FF.AA. شناخته می‌شدند، بدون شک به‌عنوان ستون‌های اصلی و معتبرترین پایه‌های حمایت از رژیم پهلوی محسوب می‌شدند و نقشی سرنوشت‌ساز در تحولات سیاسی و اجتماعی کشور ایفا می‌کردند. به این نیروها امتیازات اقتصادی قابل توجه و جایگاه اجتماعی برجسته‌ای اختصاص یافته بود و شاه نیز به‌طور ویژه به امر آموزش و ارتقای توانمندی‌های آنان اهتمام می‌ورزید. باین‌حال، تعهد و اهتمام شاه در این حوزه با محدودیتی اساسی مواجه بود که بارها از سوی مسئولان بلندپایه نظامی و حکومتی نیز مورد تأکید قرار گرفته بود: کمبود نیروی فنی و علمی متخصص که مانعی جدی در مسیر توسعه کیفی و کمی نیروهای مسلح به شمار می‌آمد (ASPR5, 1974: p4).

نیروهای مسلح ایران از حمایت گسترده‌ی یک مأموریت نظامی آمریکایی و همچنین گروهی از کارشناسان نظامی بریتانیایی بهره‌مند بودند که در زمینه آموزش نظامی ارتش فعالیت می‌کردند. نیروی هوایی ایران، با تکیه بر تجهیزات پیشرفته و آموزش تخصصی کارکنان، به‌عنوان یکی از قدرتمندترین نیروهای هوایی در میان کشورهای جهان سوم شناخته می‌شد. در چارچوب برنامه گسترده‌ای که شاه برای تقویت ارتش به اجرا گذاشت، نیروهای مسلح ایران تجهیزات نظامی خود را از تأمین‌کنندگان متعددی چون ایالات متحده، اتحاد جماهیر شوروی، انگلستان، آلمان غربی، فرانسه و ایتالیا دریافت کردند. در میان این کشورها، ایالات متحده با ارزش قراردادهای حدود چهار میلیارد دلار، به‌ویژه در زمینه تأمین هواپیما، بیشترین سهم را داشت.

۲-۴. آغاز دوره نوین روابط ایران و ایتالیا: از امضای پیمان دوستی ۱۹۵۰ م. تا تعاملات

نظامی نوظهور

پس از عبور از چالش‌های دهه ۱۳۲۰ شمسی که یکپارچگی سرزمینی و استقلال سیاسی ایران را به‌ویژه در جریان اشغال متفقین در جنگ جهانی دوم تهدید کرده بود، ایران تلاش خود را برای بازیابی روابط دیپلماتیک و نظامی با قدرت‌های غربی از سر گرفت. در این میان، ایتالیا یکی از کشورهایی بود که نه‌تنها سابقه استعماری در ایران نداشت، بلکه پیشینه‌ای از همکاری‌های مؤثر نظامی با ایران در دوره رضاشاه نیز در کارنامه خود داشت. بازسازی این روابط با امضای پیمان دوستی میان دو کشور در دوم مهرماه ۱۳۲۹ش آغاز شد؛ پیمانی که توسط محسن رئیس، وزیر امور خارجه ایران و آلبرتو روسی لونگی، سفیر ایتالیا در تهران به امضا رسید. مفاد این پیمان بر تقویت روابط فرهنگی و تقویت شناخت متقابل ملت‌ها تأکید می‌کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پانزدهم، جلسه ۱۸۶؛ معاهدات، ۱۳۷۰، ج ۳: ۴۷۳-۴۷۲)، گرچه اثرات عملی آن در ابتدا محدود بود، اما زمینه‌ساز دوره‌ای تازه و پربار از تعاملات نظامی و امنیتی میان دو کشور شد.

۳-۴. گسترش همکاری‌های آموزشی نظامی میان ایران و ایتالیا: از آکادمی لیورنو تا

پایگاه کاتانیا

از دهه ۱۳۳۰ش به بعد، همکاری‌های دوجانبه به‌ویژه در حوزه نیروی دریایی ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. بار دیگر، ایران ارسال دانشجویان به ایتالیا برای آموزش دریایی را از سر گرفت؛ اقدامی که در راستای سیاست‌های محمدرضا شاه برای نوسازی و تخصصی سازی ارتش به شمار می‌رفت. هر سال حدود ده دانشجوی نیروی دریایی برای گذراندن دوره‌های چهارساله آموزشی به ایتالیا، به‌ویژه به آکادمی دریایی لیورنو اعزام می‌شدند. برخلاف برخی کشورها که دانشجویان ایرانی را با تبعیض مواجه می‌کردند، دانشجویان ایرانی در ایتالیا در فضایی برابر و حرفه‌ای آموزش می‌دیدند. فارغ‌التحصیلان این دوره‌ها اغلب به مناصب کلیدی در ساختار نیروی دریایی سلطنتی ایران منصوب می‌شدند و مسئولیت نوسازی این نیرو را به عهده می‌گرفتند (Minovi, n.d).

موضوع آموزش نظامی دانشجویان ایرانی در ایتالیا تحت پیگیری مستقیم شاه قرار داشت و اغلب دریاداران ایتالیایی در سفرهای رسمی به ایران، در جلسات طولانی و فراتر از چارچوب‌های پروتکلی پذیرفته می‌شدند که نشان‌دهنده توجه شخصی شاه به این امر بود. محمدرضا پهلوی در جریان سفر رسمی خود به ایتالیا در آذر ۱۳۳۷ش، شخصاً از آکادمی نیروی دریایی در لیورنو بازدید کرد و در مانورهای نظامی نیروی هوایی ایتالیا در رم نیز حضور یافت (ASPR6, 1958: p43). این موارد اهمیت همکاری‌ها با ایتالیا را نشان می‌دهد که برای هر دو کشور، تهران و رم، منافع متقابل اقتصادی و نظامی به همراه داشت.

علاوه بر افسران، درجه‌داران ایرانی نیز سهم قابل توجهی در این برنامه آموزشی داشتند. مدارس C.E.M.M.¹ در تارانتو و لا مادالنا سالانه میزبان ۴۸ نفر از درجه‌داران ایرانی بودند که در دوره‌های تخصصی دوساله شرکت می‌کردند. تا اواسط دهه ۱۳۵۰ش، نزدیک به ۱۴۰ نیروی نظامی ایرانی در مؤسسات مختلف آموزشی نیروی دریایی ایتالیا آموزش دیده بودند. این آموزش‌ها صرفاً به دانش نظامی محدود نبود بلکه بازتابی از تلاش ایران برای گسترش پیوندهای نظامی راهبردی با کشورهای غربی غیرمتخاصم نیز به شمار می‌رفت (ASPR2, 1974: p22). همکاری‌های آموزشی به‌مرور گسترش یافت و به حوزه‌هایی فراتر از نیروی دریایی وارد شد. در دهه ۱۳۵۰ش و با درخواست طرف ایرانی، نیروی دریایی ایتالیا دوره‌های تخصصی برای آموزش خلبانان بالگردهای ضد زیردریایی در پایگاه کاتانیا-فونتاناروسا برگزار کرد. این دوره‌ها نقش مؤثری در افزایش توانمندی‌های فنی و عملیاتی نیروهای ایرانی ایفا کردند (Ibid).

همچنین در ۱۳۵۳/۶/۱۵، گروهی متشکل از هفت نفر از افسران و درجه‌داران ارتش ایران به مدرسه نظامی آلپینی در اوستا اعزام شدند تا در دوره‌های پیشرفته کوه‌نوردی شرکت کنند. این اعزام بخشی از سیاست تمرکز بر آموزش‌های ویژه و تخصصی بود که با هدف ارتقای آمادگی نیروهای زمینی ایران طراحی شده بود. افزون بر این، روابط دو کشور در سطح نهادهای مطالعاتی نظامی نیز تقویت شد. برنامه‌هایی برای بازدید متقابل دانشجویان نظامی از

¹. Corpi Equipaggi Militari Marittimi ارتش نظامی نیروی دریایی

مراکز مطالعاتی دو کشور شکل گرفت که در قالب نشست‌های دوسالانه، تبادل تجربیات، بازدید از یگان‌های نظامی و برقراری تماس‌های میدانی را شامل می‌شد (Ibid). این الگوهای تبادلی، از یک‌سو تجربه میدانی نیروهای ایرانی را افزایش می‌داد و از سوی دیگر، بازتابی از همگرایی ژئوپلیتیک دو کشور در دوران جنگ سرد بود که هر دو کشور را در جبهه «دفاع از جهان آزاد» قرار می‌داد.

۴-۴. گسترش همکاری‌های فنی، لجستیکی و صنعتی در حوزه‌های دریایی و هوایی

در کنار آموزش، بُعد تجهیزاتی و صنعتی همکاری‌ها نیز قابل توجه بود. در اردیبهشت ۱۳۳۳ش، دو ناوشکن ایرانی به نام‌های «پلنگ» و «ببر» به کارخانه آنسالدو در لا اسپزیا^۱ برای انجام تعمیرات اساسی ارسال شدند (ASDMAE, 1954: 50). این همکاری صنعتی دریچه‌ای بود برای توسعه همکاری‌های فنی و لجستیکی بیشتر، به‌ویژه با توجه به سیاست نظامی‌گرایانه شاه و میل او به گسترش ارتش (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۲۸-۲۲۷)، در سال‌های بعد، ایران بارها سفارش ساخت کشتی‌های نظامی به شرکت‌های کشتی‌سازی ایتالیایی داد. سرمایه‌گذاری‌هایی که نه تنها در خدمت تقویت بنیه نظامی ایران قرار گرفت، بلکه به‌منزله محرکی مهم برای رشد و شکوفایی صنایع نظامی ایتالیا نیز عمل کرد.

در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش، ادامه خریدهای تسلیحاتی ایران از ایتالیا از اهمیتی استراتژیک برخوردار شد. افزایش تولید و سفارش‌های نظامی، به ایتالیا کمک می‌کرد تا ظرفیت‌های صنعتی خود را فعال نگاه دارد (ASPR5, 1974: p1). در نتیجه، سفیر ایتالیا در تهران، لوئیجی کاتافاوی، نقشی فعال در تسهیل این همکاری‌ها ایفا کرد. او از راه هماهنگی با ستاد نیروی دریایی ایتالیا، پیشنهاد افزایش تعداد دانشجویان ایرانی (حدود ۳۰ درصد) را مطرح کرد و با موفقیت به تصویب رساند. این تصمیم نه تنها روابط دوجانبه را مستحکم‌تر کرد، بلکه ایران را به یکی از شرکای اصلی ایتالیا در زمینه آموزش دریایی تبدیل ساخت. لوئیجی کاتافاوی در دیدار با دریا سالار عباس رمزی عطایی، فرمانده کل نیروی دریایی ایران، از وضعیت دشوار اقتصادی ایتالیا سخن گفت و به‌صراحت خواستار در نظر گرفتن

1. Ansaldo di La Spezia

کارخانجات ایتالیایی در سفارش‌های نظامی ایران شد (Ibid). او با تأکید بر توانمندی‌های فنی کشورش در حوزه دریایی، از ایران خواست در فضای رقابتی میان تأمین‌کنندگان غربی، فرصت برابری به صنایع ایتالیا داده شود. دریاسالار عطایی با همراهی نسلی از دانش‌آموختگان ایرانی در ایتالیا همچون دریادار داریوش فرزانه، نیز آمادگی ایران را برای ثبت نام ایتالیا در فهرست تأمین‌کنندگان ساخت کشتی اعلام کرد (Ibid: p3).

به رغم کشمکش‌های موجود میان کاتافاوی و ده جرجی، رئیس ستاد نیروی دریایی ایتالیا، درخصوص سطح مشارکت ایران در سفارش‌های دریایی، سرانجام تلاش‌های دیپلماتیک به ثمر نشست. برای سال تحصیلی ۱۳۵۴-۱۳۵۳ش، شمار دانشجویان ایرانی در آکادمی لیورنو به سیزده نفر افزایش یافت و خریدهای دریایی نیز از سر گرفته شد (Ibid). دانش‌آموختگان ایرانی که در این آکادمی آموزش دیده بودند، بعدها به مناصب کلیدی منصوب شدند و در تصمیم‌گیری‌های نظامی درباره خریدهای خارجی، نقش‌آفرینی کردند.

ابعاد هوایی این همکاری نیز اهمیت فزاینده‌ای یافت. هرچند منابع درباره آموزش‌های نیروی هوایی محدودتر است، اما مستندات موجود از حضور مؤثر شرکت‌های ایتالیایی در این بخش حکایت دارد. در اواسط دهه ۱۳۵۰ ش، شرکت آگوستا قراردادهایی به ارزش ۴۲۵ میلیون دلار با ایران امضا کرد که شامل تحویل حدود دویست فروند هلیکوپتر مدل‌های AB205، SH3D، AB206 و CH-47 بود (ASPR2, 1974: p2).

۵-۴. مزایای راهبردی پیشنهادهای صنعتی - نظامی برای ایتالیا

در دهه ۱۹۷۰م، همکاری‌های نظامی ایران و ایتالیا به سطحی فراتر از آموزش و تعمیرات دریایی ارتقا یافت و ابعاد صنعتی و تسلیحاتی آن برجسته‌تر شد. شرکت‌های ایتالیایی متعددی در تأمین و نصب تجهیزات پیشرفته نظامی در ایران فعال بودند. شرکت «سیستل» در رم قراردادی به ارزش ۱۵ میلیارد لیره معادل ۳۰۰ میلیارد ریال برای فروش و نصب سیستم موشکی زمین به زمین بر روی چهار واحد ساخته شده بریتانیایی دریافت کرد و مذاکراتی برای خرید موشک‌های بیشتر نیز در جریان بود. این شرکت مسئول نصب «سیستم موشکی Sea-Killer MK2» بر روی ناوچه‌های نوع SAAL بود (ASPR3, 1974: p5).

افزون بر این، شرکت اوتو ملارا قراردادهایی به ارزش ۱۰۰ میلیارد ریال برای نصب «موتوکانون‌ها» و مذاکراتی به جهت تأمین مهمات به ارزش ۲۵۳ میلیارد ریال داشت. همچنین شرکت سوئسی-ایتالیایی کانترواس با تأمین صد مجموعه دوتایی (تیرانداز ۳۵ میلی‌متری) مجهز به رادار و توسعه پروژه تولید داخلی این مجموعه‌ها، نقش مهمی ایفا می‌کرد (ASPR5, 1974: p3).

با وجود این تعاملات، صنایع تسلیحاتی ایتالیا با مشکلاتی جدی در رقابت با تولیدکنندگان قدرتمند جهانی مواجه بودند (ASPR2, 1974: p1). از این رو، مذاکرات گسترده‌ای میان شرکت «ایتالی کانتیری» در تریسته و نیروی دریایی ایران در جریان بود که شامل تأمین زیردریایی‌ها و کشتی‌های آموزشی بود. در این راستا، دریاسالار عطایی، فرمانده نیروی دریایی ایران، در سفر رسمی خود به ایتالیا در سال ۱۹۷۵م، گفت و گوهایی با فرماندهان ایتالیایی برای توسعه همکاری‌ها انجام داد (ASPR3, 1974: p3). تمام این موارد، نشان‌دهنده گستردگی و استمرار همکاری‌های نظامی میان دو کشور است که در امتداد روابط پیش از جنگ به‌طور پیوسته ادامه یافته بود.

در مقیاس کلان‌تر، ایران که با چشم‌اندازی بلندمدت در پی گسترش حریم دفاعی خود تا اقیانوس هند بود، علاوه بر همکاری با ایتالیا، قراردادهایی با ایالات متحده برای خرید ناوشکن‌های موشک‌انداز پیشرفته امضا کرد. این اقدامات گویای عزم ایران برای تبدیل شدن به یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی خاورمیانه بود؛ هدفی که شاه در نیمه دهه ۱۳۵۰ش با تخصیص بیش از ۲۸.۸ درصد از کل بودجه کشور به امور نظامی دنبال می‌کرد (گراهام، ۱۳۵۸: ۲۲۱). در این میان، وابستگی نیروهای مسلح ایران به تأمین‌کنندگان خارجی، به‌ویژه در زمینه پشتیبانی لجستیکی و فناوری، چالش بزرگی بود که همکاری با ایتالیا تا حدی تلاش می‌کرد آن را با انتقال دانش فنی و آموزش‌های تخصصی کاهش دهد. شاه که از دوره نخست‌وزیری ماتئی خاطره‌ای مثبت داشت، به‌خوبی از اهمیت روابط راهبردی با ایتالیا آگاه بود و این روابط را در چارچوبی مبتنی بر احترام به استقلال ملی ایران دنبال می‌کرد.

یکی از ابعاد مهم این همکاری‌ها در بخش هوانوردی و هلیکوپتر نمود یافت. گروه هوانوردی «آگوستا» با امضای قراردادی به ارزش ۴۲۵ میلیون دلار، متعهد به تأمین حدود

دویست فروند هلیکوپتر در مدل‌های مختلف برای ایران شد. در آستانه سفر رسمی رئیس‌جمهور ایتالیا، جیووانی لئونه، به تهران در سال ۱۳۵۴ش، کورادو آگستا، مدیر این گروه، پیشنهادی برای ایجاد و مدیریت یک صنعت هلیکوپتر در ایران با حقوق فروش در بازارهای خارجی ارائه کرد (ASPR4, 1974: p2). این پیشنهاد نه تنها حفظ بازار مهم ایران را برای ایتالیا تضمین می‌کرد، بلکه انتقال دانش فنی و حمایت از توسعه صنعتی ایران را نیز در دستور کار قرار می‌داد. بدین ترتیب، همکاری‌ها فراتر از یک قرارداد فروش صرف، به‌عنوان همکاری‌ای استراتژیک با منافع متقابل اقتصادی و سیاسی تعریف می‌شد:

«این پیشنهادها از اهمیتی بسزا برای منافع صنعتی ایتالیا برخوردارند؛ چراکه افزون بر حفظ بازاری راهبردی و ارزشمند برای این کشور، زمینه مشارکت فعال ایتالیا را در فعالیت‌های صنعتی ایران فراهم می‌آورند؛ مشارکتی که در قالب انتقال فناوری، پشتیبانی فنی، اجرای پروژه‌ها و تأمین تجهیزات توسط شرکت‌های ایتالیایی تحقق می‌یابد. از سوی دیگر، این همکاری‌ها برای ایتالیا امکان دستیابی به تأمین مالی بازپرداخت‌پذیر را فراهم می‌سازد؛ منابعی که برای پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای در راستای شکل‌گیری صنعتی ملی، پویا و روبهرشد حیاتی‌اند و از رهگذر صادرات توانمند کشور، ارز خارجی قابل‌توجهی را به اقتصاد ملی وارد می‌سازند. از این رو، شایسته است که از پیشنهادهای ارائه‌شده توسط این گروه، با حداکثر توان و جدیت پشتیبانی شود و حمایت از اقتصاد ملی در دستور کار قرار گیرد» (Ibid: 2-3).

دیپلماسی ایتالیا در گفت و گوهای خود با مقامات ایرانی بارها بر این نکته تأکید داشت که شرکت «آگوستا» به‌عنوان تنها تأمین‌کننده‌ای مطرح است که می‌تواند طیف کاملی از هلیکوپترها را برای مأموریت‌های متنوع در اختیار ایران قرار دهد و به این ترتیب استقلال صنعتی و نظامی ایران را تضمین کند، بدون آنکه کشور به تولیدکننده یا خط تولید خاصی وابسته شود (Ibid: 4).

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر نشان داد که روابط نظامی ایران و ایتالیا در دوره پهلوی، صرفاً یک سلسله قراردادهای تسلیحاتی یا همکاری‌های آموزشی پراکنده نبود، بلکه بخشی از روند کلان‌نوسازی نظامی ایران و بازتعریف جایگاه ایتالیا در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شد. بررسی اسناد و منابع آشکار ساخت که این روابط در بستری دوسویه شکل گرفت: از یک‌سو حکومت پهلوی به دنبال ارتقای توان نظامی و ایجاد توازن میان قدرت‌های غربی بود، و از سوی دیگر ایتالیا، در پی تثبیت موقعیت خویش به‌عنوان یک قدرت صنعتی - نظامی در حال صعود، ایران را بازاری راهبردی و دروازه‌ای برای نفوذ به خاورمیانه می‌دید. یافته‌ها نشان داد که همکاری‌های نظامی در دوران رضاشاه بیشتر جنبه زیربنایی و آموزشی داشت. تأسیس پایگاه‌های دریایی، اعزام مستشاران و خرید تجهیزات دریایی از جمله نخستین گام‌هایی بود که بستر آشنایی متقابل دو کشور را فراهم کرد. این مرحله اگرچه از نظر حجم قراردادها محدود بود، اما از نظر تاریخی نقطه عطفی در جهت‌گیری ایران به سوی ایتالیا در عرصه نظامی محسوب می‌شود. در دوره محمدرضا شاه، همکاری‌ها ابعادی بسیار گسترده‌تر یافت. ورود به قراردادهای بزرگ تسلیحاتی، بهره‌گیری از آموزش‌های تخصصی نیروهای ایرانی در مراکز آموزشی ایتالیا و نیز انتقال فناوری‌های نوین، روابط را به سطحی راهبردی ارتقا داد. در این دوره، ایران توانست بخشی از ساختار نیروهای مسلح خود را مطابق با استانداردهای غربی بازسازی کند، درحالی‌که ایتالیا نیز با دسترسی به بازاری پرسود و دارای اهمیت ژئوپلیتیک، جایگاهی ممتاز در خاورمیانه کسب کرد.

با توجه به این مجموعه شواهد، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه ایتالیا به سبب فقدان سابقه استعماری و برخورداری از توان صنعتی، شریک مطلوبی برای حکومت پهلوی بود و در مقابل، ایران نیز بازاری راهبردی برای صنایع نظامی ایتالیا فراهم آورد، به‌طور کامل تأیید می‌شود. همه شواهد نشان می‌دهد که روابط نظامی دو کشور بر اساس منافع متقابل و درک واقع‌بینانه از شرایط بین‌المللی شکل گرفت و استمرار یافت. از این منظر، روابط ایران و ایتالیا در عصر پهلوی نمونه‌ای گویا از هم‌پوشانی منافع ژئوپلیتیک و نیازهای نوسازی نظامی

است؛ نمونه‌ای که بررسی آن می‌تواند الگویی برای تحلیل روابط مشابه ایران با دیگر قدرت‌های اروپایی در قرن بیستم به دست دهد. افزون بر این، مطالعه حاضر نشان داد که درک روابط ایران و ایتالیا تنها از زاویه نظامی امکان‌پذیر نیست، بلکه این مناسبات در بطن سیاست خارجی، اقتصاد تسلیحاتی و معادلات جنگ سرد معنا پیدا می‌کند.

کتابنامه

۱. آبراهامیان، یرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیر شانه‌چی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۸.
۲. آبراهامیان، یرواند، *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹.
۳. استوارت، ریچارد ا.، *در آخرین روزهای رضاشاه*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، معین، ۱۳۷۰.
۴. بیات، کاوه، *روابط نظامی ایران و فرانسه در فاصله دو جنگ اول و دوم جهانی*، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.
۵. پیرا، فاطمه، *روابط سیاسی-اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
۶. راثین، اسماعیل، *دریانوردی ایرانیان*، تهران، چاپخانه زیبا، ۱۳۵۶.
۷. رسایی، فرج‌الله، *۲۵۰۰ سال بر روی دریاها*، تهران، نشر پیک دریا، ۱۳۵۰.
۸. روزنامه اطلاعات، ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۱.
۹. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). شناسه سند: ۲۴۰/۳۸۳۱، شناسه بازیابی: ۳۸۲۶/۱/۱۳.
۱۰. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). شناسه پرونده سند: ۲۴۰/۵۱۶۱۴.
۱۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). شناسه سند: ۲۴۰/۱۷۹۴۷، برگ ۱.
۱۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). شناسه سند: ۲۴۰/۳۸۳۱، شناسه بازیابی: ۳۸۲۶/۱/۱۳.
۱۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). شناسه سند ۳۱۰/۳۲۷۸۳.
۱۴. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). شناسه سند ۳۱۰/۳۲۷۷۷.
۱۵. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). شناسه سند ۳۱۰/۴۴۴۸۲.

۱۶. سپهبدی، انوشیروان، *آغاز دریا‌داری در خلیج فارس*، ماهنامه کاوش، ۱(۱)، ۱۳۳۹.
۱۷. شیخ نوری، محمدمیر؛ خسروی، ابوذر، تیمورتاش و بحرین ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۲ش/۱۹۲۷ تا ۱۹۳۴م، *مجله پژوهش‌های تاریخی*، ۵(۴)، زمستان ۱۳۹۲، صص ۲۲-۱.
۱۸. قدیمی، ذبیح‌الله، *تاریخ ۲۵ ساله ارتش شاهنشاهی ایران*، تهران، اداره سالنامه آریان، ۱۳۲۶.
۱۹. کاتوزیان، محمدعلی، *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۲.
۲۰. گراهام، رابرت، *ایران سراب قدرت*، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران، سحاب، ۱۳۵۸.
۲۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی: *دوره پانزدهم [متن رسمی]*، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۲۲. *معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول*، ج ۳، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.
۲۳. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.

24. **Archivio Storico del Presidente della Repubblica (ASPR1)**, Archivio Digitale (AD), Iran, b.483, f.b/1. (1974). *Documentazione della visita di Stato del Presidente Leone in Iran 1974, B3 Rapporti Politici* (p. 2). Italia. 1974.
25. **Archivio Storico del Presidente della Repubblica (ASPR2)**. *Documentazione di consultazione per la visita del presidente della Repubblica in Iran, 1974, B7 forze armate* (b.483, f.b/1). Archivio Digitale (AD), Italia. 1974.
26. **Archivio Storico del Presidente della Repubblica (ASPR3)**. *Documentazione della visita di Stato del Presidente Leone in Iran, Forniture di materiale militare all'Iran* (b.483, f.b/1, p. 2). Archivio Digitale (AD), Italia. 1974.
27. **Archivio Storico del Presidente della Repubblica (ASPR4)**. *Documentazione della visita di Stato del Presidente Leone in Iran*,

- Gruppo Aeronautica Agusta* (b.483, f.b/1). Archivio Digitale (AD), Italia. 1974.
28. **Archivio Storico del Presidente della Repubblica (ASPR5).** *Documentazione della visita di Stato del Presidente Leone in Iran: Situazione forza armate* (b.483, f.b/1). Archivio Digitale (AD), Italia. 1974.
29. **Archivio Storico del Presidente della Repubblica (ASPR6),** Archivio Digitale (AD), b.22, f.3, Visita dello Scià Iran a Roma (27 nov. - 1 dic. 1958), Programma della Visita di Stato di S. M. I. lo Sciahinsciah dell'Iran in Italia, Roma. 1958.
30. **Archivio Storico Diplomatico del Ministero degli Affari Esteri (ASDMAE).** *Telegramma segreto n. 4393, da Teheran a Roma* [Telegram]. Serie AP 1950–1957, Iran, b. 945. 1954, May 21.
31. Minovi, A. (n.d). **Sito degli ex-ammiragli e ufficiali della Marina Imperiale iraniana.** Retrieved July 26, 2025, from <http://www.iinavy.org>
32. Pasqualini, M. G. (1992). **La Marina Italiana e la Persia (1925–1936).** Bollettino dell'Archivio dell'Ufficio Storico della Marina Militare, 53-105.